

کشورهای اروپایی و آمریکایی در داووس علیه ترامپ به تفصیل صحبت کردند

اجلاس توابعین



علی ملکی
چیرفکاز گروه سیاست

اجلاس داووس نمایشنامه‌ای از پایان یک توهم بزرگ برای اروپا بود. سران اروپا در مرتفع‌ترین شهر قاره‌شان جمع شدند و مواضع بی‌سابقه‌ای علیه ایالات متحده آمریکا گرفتند. برخلاف دوره‌های گذشته که در آن رهبران غربی با خوشرویی از وحدت رویه سخن می‌گفتند، در این دوره سران اروپا صراحتاً اعتراف کردند دوران اعتماد میان اروپا و آمریکا به پایان رسیده و عصر جدیدی آغاز شده که در آن «قانون جنگل» جایگزین معاهدات بین‌المللی شده است. در کانون این تقابل، دونالد ترامپ ایستاده است؛ رئیس‌جمهوری که با رویکردی تنهاجی و فراتر از عرف‌های دیپلماتیک، متحدان سستی خود را به سسمنی سوق داده که میان «بردگی داوطلبانه» و «تقابل پرهزینه»، یکی را انتخاب کنند.

ترامپ در روز پایانی به این اجلاس اضافه شد و طبق معمول علیه همه موضع‌گیری کرد. او سخنرانی‌اش را این‌گونه آغاز کرد که در جمع حاضر دوستان زیادی دارد و البته تعدادی هم دشمنش هستند.ارنئیس‌جمهور آمریکا در ادامه به تعریف و تمجید از خودش پرداخت و با کنایه به جنگ جهانی دوم گفت اگر آمریکا نبود اکنون همه شما به زبان آلمانی و کمی ژاپنی حرف می‌زدید. ترامپ در ادامه اروپا را در حال نابودی دانست و با تمسخر عینک آفتابی اماونل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه هنگام سخنرانی در روز دوم داووس، مجدداً به طرح مالکیت گرینلند پرداخت. او با تهدید مجدد علیه این جزیره گفت: «می‌توانید بگویید بله و ما بسیار قدردان خواهیم بود یا می‌توانید بگوئید نه و ما این را به یاد خواهیم داشت.» ترامپ همچنین به توهین علیه مردم سوامالی پرداخت و گفت آن‌ها ضریب هوشی پایینی دارند و «دزدهای دریایی خوبی» هستند.

جرقه‌ای برانبار باروت

بحران گرینلند که زمانی شاید تنها یک شوخی یا ایده خام در فضای مجازی به نظر می‌رسید، اکنون به جدی‌ترین گسل میان واشنگتن و قاره سبز تبدیل شده است. دونالد ترامپ با بازگشت به کاخ سفید، پروژه قدیمی و ۷۰ ساله ایالات متحده برای تسلک بر این جزیره استراتژیک را با رویکردی تنهاجی بازگشایی کرد. این موضوع که از سال ۱۹۴۶ و دوران هری ترومن در اسناد امنیت ملی آمریکا وجود داشت، در دستان ترامپ به ابزاری برای تحقیر حاکمیت ملی اروپا تبدیل شد.

تش‌ها زمانی به اوج خود رسید که ترامپ صراحتاً اعلام کرد قصد تصاحب یسا‌الحاق این قلمرو خودمختار تحت حمایت دانمارک را دارد. واکنش اروپایی‌ها به این موضوع – که به نظر می‌رسد ناشی از درس‌های پرونده اوکراین است – مثل سابق نبود. نماینده دانمارکی پارلمان اروپا با لحنی بی‌سابقه خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا از واژگانی استفاده کرد که ترامپ احتمالاً در چرت‌های بی‌پایانش نمی‌دید. این واکنش‌های تند، ناشی از این درک است که ترامپ دیگر به مرزهای حاکمیتی متحدان خود در ناتو احترام نمی‌گذارد. برای نخستین‌بار در تاریخ این ائتلاف نظامی، یک عضو ارشد، عضو دیگر را به تصاحب قلمرو و تغییر مرزها تهدید کرده است؛ اتفاقی که زلزله‌ای در اعتماد درون‌ناتویی ایجاد کرده و این سازمان را تا مرز بی‌معنایی پیش برده است.

جهان به سمت بی‌قانونی می‌رود

در میسان‌رهبران اروپایی، اماونل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه به عنوان صریح‌ترین مخالف سیاست‌های ترامپ در داووس ظاهر شد. مکرون که

ابهام هسته‌ای ایران گروسی و غرب را اذیت می‌کند

ماشین امضای ترامپ در آژانس

صلح‌آمیز هسته‌ای را محکوم نمی‌کنند، در پرونده اوکراین اقدامات گسترده‌ای انجام داده است. برای درک این دوگانگی، کافی است به اقدامات آژانس در حمایت از اوکراین طی چند سال گذشته نگاه‌ی بیندازیم. از آوریل ۲۰۲۲ تا ابتدای ۲۰۲۵ آژانس بیش از ۱۳ میلیون یورو تجهیزات ایمنی و امنیتی هسته‌ای به اوکراین تحویل داده و یک میلیون یورو کمک پزشکی ارائه کرده است. این حمایت‌ها شامل تحویل صدمین محموله تجهیزات در ژانویه ۲۰۲۵ می‌شود.

گروسی شخصاً در چندین سفر به اوکراین شرکت کرده است. برای مثال در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ همان روزی که نیروهای روسی کنترل نیروگاه چرنوبیل را به دست گرفتند، گروسی بیانیه‌ای فوری صادر کرد. یک هفته بعد شورای حکام جلسه‌ای ویژه تشکیل داد. دو روز پس از کنترل زاپوریژیا توسط روسیه گروسی گزارش خود را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داد. در سپتامبر همان سال، او از خط مقدم جنگ عبور کرد تا مأموریت پشتیبانی آژانس را پیگیری کند. کنفرانس عمومی آژانس در ۳۰ سپتامبر قطعنامه‌ای تصویب کرد که حمله یا تهدید به حمله به تأسیسات هسته‌ای را ممنوع می‌کند. گروسی در ژانویه ۲۰۲۳ در پارلمان اروپا سخنرانی کرد و بر حفاظت از زاپوریژیا تأکید کرد. در فوریه ۲۰۲۴، برای چهارمین بار از زاپوریژیا بازدید کرد و در مارس، شورای حکام قطعنامه‌ای ضدروسی تصویب کرد که خواستار خروج نیروهای روسی شد. در سپتامبر ۲۰۲۴، کمک‌های ایمنی هسته‌ای به اوکراین افزایش یافت و در ژوئن ۲۰۲۵، گروسی دوازدهمین سفر خود به اوکراین را انجام داد.

این اقدامات نشان‌دهنده تعهد آژانس به حمایت از اوکراین است حتی در شرایطی که حملات به تأسیسات هسته‌ای اوکراین جدی بوده و سفرهای گروسی این را اثبات می‌کند. در مقابل حملات بمب‌اف‌های آمریکایی و اسرائیلی به تأسیسات ایران در تابستان گذشته که شامل نفتزن، فردو و اصفهان بود هیچ واکنشی از سوی گروسی به همراه نداشته است. نه محکومیتی صادر کرده و نه کمک ارائه شده است؛ این رویکرد دوگانه با ماده سوم اساسنامه آژانس که این نهاد را موظف به تشویق توسعه انرژی اتمی صلح‌آمیز و ارائه خدمات مفید می‌کند، مغایرت دارد. منافع عضویت در NPT و پرداخت حق عضویت توسط ایران عمدتاً به متحدان غرب مانند اوکراین می‌رسد، درحالی‌که ایران از هیچ حمایتی

برخوردار نیست. گروسی که پیش از حملات به ایران ادعاهایی در مورد ذخایر اورانیوم ایران مطرح کرده بود اکنون در داووس بر بن‌بست بازرسی‌ها تأکید می‌کند بدون اینکه به ریشه مشکل یعنی حملات خارجی اشاره کند.

هم‌سوپی گروسی با سیاست‌های نتانیاهو

اظهارات گروسی در داووس نمی‌تواند جدا از هم‌سوئی او با سیاست‌های بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ بررسی شود. ترامپ ادعا کرده که تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کرده درحالی‌که نتانیاهو سعی در تغییر این روایت دارد تا فشار‌ها علیه ایران را مشروعیت بخشد. نتانیاهو در اواخر مردادماه روایتی ساخت و مدعی شد که ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ایران از بین نرفته است. گروسی در اظهارات ۲۷ اوت این خط را ادامه داد و گفت: «هنوز با این مسئله مواجهیم که با نزدیک به ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ایران با خلوص ۶۰ درصد که در اختیار این کشور است، قرار است چه‌کار کنیم؟» او همچنین ادعاکرد که این مواد عمدتاً در اصفهان، فردو و نفتزن نگهداری می‌شوند و مقدار کمی ممکن است به‌جای دیگری برده شده باشد.

این هم‌سوئی اتفاقی نیست. گروسی پیش از جنگ ۱۲ روزه در مصاحبه با رسانه اسرائیلی ۱۲۴گرای عملیاتی داد: «برنامه اتمی ایران خیلی گسترده و عمیق است. از بسیاری از این تأسیسات به‌خوبی محافظت می‌شود، بنابراین اگر بخواهد به آن تأسیسات حمله شود نیاز به نیروی بسیار ویرانگر دارد.» این اظهارات پیش از حملات تابستانی به ایران نشان‌دهنده نقش گروسی در تسهیل عملیات اسرائیل و آمریکا است. او پیش از حمله ادعا کرد ایران اورانیوم لازم برای ۶ تا ۷ بمب دارد و به پیچیدگی‌های فردو اشاره کرد.

در مهرماه امسال گروسی در ادبیاتی تهدیدآمیز تن‌دادن ایران به مذاکرات را لازمه نجات از دور دیگری از بمباران‌ها دانست. این رویکرد، هم‌سوبا نتانیاهو ایران را به‌جای میز مذاکره، پشت میز تحکم می‌نشاند. گروسی که با کوچک‌ترین اقدام روسیه علیه اوکراین موضع‌گیری می‌کند، در مورد ایران هیچ اقدامی انجام نداده و حتی بازرسانش بر خلاف منافع ایران عمل می‌کنند.

ناتودر ناتو

برای ۸۰ سال، ناتو ستون فقرات امنیت اروپا بود. اما اکنون، تهدید ترامپ به اعمال تعرفه علیه کشورهای عضو ناتو (مانند نروژ، سوئد، آلمان و بریتانیا) به دلیل همبستگی آن‌ها با دانمارک در پرونده گرینلند، این پیمان را با چالش مواجه کرده است. برای اروپایی‌ها، این پرسش مطرح است که چطور می‌توان با کشوری در یک پیمان دفاعی مانند که خود آن کشور، تمامیت ارضی اعضا را تهدید می‌کند و از ابزارهای اقتصادی برای باج‌خواهی سیاسی استفاده می‌برد؟ ترامپ صراحتاً اعلام کرده که دیگر تهدیدی به «صلح به هر قیمت» ندارد و تنها به آنچه برای ایالات متحده «خوب و مناسب» است فکر می‌کند، حتی اگر این به معنای زیر پا گذاشتن منشور سازمان ملل و نقض حاکمیت متحدانش باشد.

نباید برده ترامپ باشیم

یکی از مواضع جالب توجه در نشست امسال، سخنان نخست‌وزیر بلژیک بود. او با صراحت اعلام کرد اروپا اگر می‌خواهد برده ترامپ نباشد، باید بسترهای فناوری و اقتصادی مستقل خود را بسازد. او هشدار داد که بدون استقلال در حوزه‌های کلیدی مانند هوش مصنوعی، انرژی و فناوری‌های نوین، اروپا عملاً در وضعیت «بردگی» نسبت به ایالات متحده قرار خواهد گرفت.

به نظر می‌رسد اروپا دیگر امیدی به بازسازی روابط نرمال با آمریکا ندارد. کریستین لاگارد، رئیس بانک مرکزی اروپا نیز در داووس تأکید کرد که این یک «فراخوان بیدارباش» بزرگ است. اروپا باید پیام‌وز که به تنهایی بایستد، بر تجارت داخلی خود تکیه کند و خود را برای تدابیری آماده کند که در آن آمریکا یک رقیب تنهاجی و غیرقابل پیش‌بینی است.

جبهه جدید جنگ سرد

تش‌های اروپا و آمریکا در گرینلند را نمی‌توان جدا از فعالیت‌های روسیه و چین در قطب شمال تحلیل کرد. روسیه بیش از نیمی از خط ساحلی قطب را در اختیار دارد و به سرعت در حال نظامی‌سازی این منطقه است. چین



نیز خود را یک قدرت «نزدیک به قطب» نامیده و به دنبال سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گرینلند است. واکنش ترامپ به این تهدیدات، به جای همسکاری با اروپا، تلاش برای «بلعیدن» منطقه است. او معتقد است اروپا قدرت یا اراده کافی برای ایستادگی در برابر روسیه در قطب شمال را ندارد و بنابراین آمریکا باید مستقیماً کنترل این مناطق را در دست بگیرد. این نگاه امپریالیستی، اروپایی‌ها را در موقعیت دشواری قرار داده است؛ آن‌ها از یک‌سو نگران توسعه‌طلبی روسیه هستند و از سسوی دیگر، با آمریکایی رویه‌رو هستند که می‌خواهد به بهانه حفاظت، حاکمیت آن‌ها را غصب کند.

پلن B اروپا

درحالی‌که واشنگتن به سمت انزواگرایی تنهاجی حرکت می‌کند، سایر نقاط جهان در حال بازرایی خود هستند. اعضای اتحادیه تجارتی میان اتحادیه اروپا و کشورهای مرکوسور (آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اروگوئه) در میانه اجلاس داووس، مصداقی از این بازرایی قدرت بدون آمریکا بود. همچنین، چرخش کانادا به سمت چین برای تلطیف روابط و ایجاد یک حاشیه امن در برابر خصومت‌های احتمالی آمریکا، نشان‌دهنده این است که حتی نزدیک‌ترین همسایگان ایالات متحده نیز دیگر به امنیت ایجاد شده توسط واشنگتن اعتمادی ندارند. این حرکت‌ها نشان‌دهنده شکل‌گیری یک بلوک جدید از «قدرت‌های متوسط» است که سعی دارند با همکاری یکدیگر، در برابر تلاطم‌های ناشی از سیاست‌های ترامپ مقاومت کنند. اروپا امروز به واقعیت تلخی پی برده که می‌گوید دوران وابستگی به «چتر حمایتی آمریکا» به پایان رسیده است. ترامپ با سیاست «اول آمریکا» به هر قیمتی، به متحدان خود آموخت که هیچ قانون ثابتی وجود ندارد و فقط قدرت عریان است که روند‌ها را تعیین می‌کند. سران حاضر در داووس، با وجود تمام انتقاداتشان، اکنون می‌دانند که باید میان تسلیم شدن در برابر تعرفه‌ها و تهدیدات، یا بازتعریف هویت اروپایی به عنوان یک قدرت مستقل و مقتدر، یکی را انتخاب کنند.

حقوقی که ایفا نشدند

پروکتل‌های الحاقی اوش و دوم کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، حمله به تأسیسات حاوی مواد خطرناک را ممنوع کرده‌اند. ماده ۵۶ پروکتل اول و ماده ۱۵ پروکتل دوم، چنین حملاتی را جنایت جنگی تلقی می‌کنند. حملات آمریکا و اسرائیل به نفتزن، فردو و اصفهان نقض این مفاد است، اما گروسی هیچ واکنشی نشان نداده.

علاوه‌بر این، همکاری آژانس با اسرائیل که عضو NPT نیست نقض ماده ۷ اساسنامه است. اسناد مکاتبات ایران با آژانس که توسط وزارت اطلاعات از سرزمین‌های اشغالی خارج شد این همکاری را اثبات می‌کند. ایران، به‌عنوان عضو NPT، حق بهره‌مندی از انرژی صلح‌آمیز را دارد، اما رویکرد آژانس این حق را نادیده می‌گیرد. برای حل این بن‌بست، آژانس باید حملات را محکوم کند و کمک‌های ایمنی ارائه دهد، مشابه آنچه برای اوکراین انجام داد.

برگ بازنده گروسی

در رقابت برای دبیرکلی سازمان ملل

گروسی درحالی‌کاندیدای دبیر سازمان ملل است که مهم‌ترین پرونده کاری‌اش در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یعنی پرونده هسته‌ای ایران را با رویکردی سیاسی‌کارانه به بن‌بستی برای آژانس تبدیل کرده است. باز بودن این پرونده امتیازی منفی برای رقابت بر سر دبیرکلی سازمان ملل است؛ برای همین هم گروسی احتمالاً تا آخرین روزی که دوران دبیرکلی‌اش در آژانس به پایان برسد با رویکردی تهدیدآمیز از جنس آنچه دیروز در پیش گرفته از ایران می‌خواهد تا به آژانس بابت بازرسی از تأسیسات هسته‌ای مورد هدف قرار گرفته شده در فردو، نفتزن و اصفهان دسترسی بدهد تا گروسی در پایان مسئولیتش بازگشت بازرسانش به ایران به برگ برنده‌ای برای فروختن در رقابت دبیرکلی تبدیل کند. عدم تن‌دادن ایران به این پروژه سیاسی گروسی احتمالاً در نهایت منجر به این خواهد شد که گروسی برای توجیه بن‌بستی که آژانس را در آن گرفتار کرده و با یک پرونده‌باز آن را به نفع بعد تحویل می‌دهد موجی از اتهام‌زنی به ایران را در دستور کار قرار داده و حتی یک گزارش عدم پایبندی نیز به اعضاشورای حکام بدهد تا به این طریق از خود دفع اتهام کند.

فرهنگ‌یختگان

فرهنگ‌یختگان



پنجشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۴



شماره ۴۶۱۳



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

